

## نقش سکه در گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره

دکتر محسن جعفری مذهب\*

موضوع گسترش زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره را، مانند هر نقطهٔ دیگر جهان، می‌توان از طریق آثار به‌جامانده، همچون کتاب‌ها و نسخه‌های خطی و سندها و کتیبه‌ها شناخت. اما در این میان، یکی از منظرهای کمتر شناخته‌شده، نگاه سکه‌شناسانه به این موضوع است. پرسش‌هایی که در این حوزه طرح می‌شوند عبارت‌اند از: آیا گسترش یا جلوگیری از گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره، ارتباطی با سیاست‌های به‌ظاهر اقتصادی صرف در ضراب‌خانه‌های استعماری داشته است یا نه؟ آیا ضراب‌خانه‌ها نیز به‌مثابهٔ ارگانی فرهنگی، از سیاست‌هایی کلی پیروی می‌کرده‌اند؟ آیا در این زمینه، نکته‌هایی هست که همچنان از دید ما پنهان مانده باشد؟ قابل ذکر است که نوشتهٔ حاضر بخشی از «تاریخ سکه‌شناختی گسترش زبان فارسی در اقیانوس هند» است که البته شبه‌قاره در قلب آن جای دارد.

---

\*. عضو هیئت علمی کتابخانه ملی. این سخنرانی در مرداد ماه 1391 در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایراد شده است.

برای نقوشی که بر روی سکه‌ها وجود دارد می‌توان چهار جایگاه را در نظر گرفت. یک بخش مربوط به نقوش و متون دینی است، مثل عبارت «لا اله الا الله» و «علی ولی الله» یا آیات منقول از قرآن کریم که البته با زبان فارسی ارتباطی ندارند.

متون بومی بخش دیگری است که در آن قسمت نام شاهان و القاب آنان دیده می‌شود که این بخش نیز تا دوره مغولان به سبک و سیاق عربی بوده و کمتر شاهد نوشتن آنها به فارسی هستیم.

در گذشته سکه‌ها فاقد نام بودند و معیار سنجش ارزش آنها وزنشان بود و مثلاً سکه دومثقالی طلا به مقدار دو مثقال طلا می‌ارزید، اما برخی از آنها نام هم داشتند. بدین ترتیب نام سکه هم در برخی از نمونه‌ها جایگاهی را به خود اختصاص داده است.

مشخصات فنی سکه، شامل سال و مکان ضرب آن، دیگر بخشی است که بر روی سکه‌ها موجود است و می‌توان گفت تا دوره مغولان تقریباً 90 درصد آنها یک‌شکل‌اند و به زبان عربی نوشته شده‌اند و استثنائاً گاهی به زبان فارسی نیز نوشته می‌شده‌اند.

مطالعه سکه‌های اسلامی هند را می‌توان به سه دوره «پیش از مغول»، «پس از مغول» و دوره «ورود کمپانی هند شرقی به شبه‌قاره» تقسیم کرد. سکه‌های اسلامی تا اواخر دوره خلافت عباسی تقریباً یک شکل‌اند و از یک الگو پیروی می‌کنند؛ به این صورت که یک کلمه طیبه در وسط سکه است و تاریخ و مکان ضرب آن در حاشیه به زبان عربی نوشته شده است. در دوره سلجوقی یک سری علائم ترکی نیز مانند تیر و کمان، به نقوش روی سکه‌ها اضافه شد.

از دوره مغولان به بعد زبان فارسی به صورت جدی بر روی سکه‌ها نقش می‌بندد که همین اتفاق در مناطق دیگری نیز که زبان آنها غیرعربی است دیده می‌شود. زبان فارسی را در چهار صورت کلمه فارسی (غیر نام)، ترکیب فارسی، سجع یا شعر فارسی، و گاه‌شمار ایرانی دید. یکی از اولین مناطق، ماوراءالنهر است که هم نام سکه‌های آنها فارسی است و هم نوشته‌های آنها، اما باز هم زبان عربی در آنها مشاهده می‌شود، از جمله اطلاعات مربوط به زمان و مکان ضرب سکه. اما در سکه ضرب اوزجند<sup>1</sup> می‌بینیم

1. نک: جعفری‌مذهب، محسن، «عدل ختایی»، نامه انجمن، س 7، ش 4، زمستان 1385.

که این نوشتهٔ زیبای فارسی به چشم می‌خورد:

خان خانان عمرش باد هزار سال تا ولایت گرسنه سیر شود



به نظر می‌رسد در شبه‌قاره نیز همین اتفاق از زمان مغول‌ها افتاده باشد؛ همان‌گونه که وضعیت سکه‌ها در آنجا پیش از دورهٔ مغولان مانند ایران بوده و تقریباً ترکیبات و کلمات فارسی در آنها دیده نمی‌شود. از این زمان است که طراحانی که زبان فارسی را می‌فهمیدند آن را بر روی سکه منتقل کردند و حتی اشعار فارسی را نیز به سکه‌های مغولان هند و دیگر حکومت‌های محلی هندی افزودند. زبان فارسی علاوه بر مغولان مسلمانان نزد سیکها نیز یافت می‌شود. اشعار فارسی به فراوانی در تزیین سکه‌ها به کار می‌روند؛ مانند مهرهای طلایی اکبر و دیگران:



گاهشماری نیز از دیگر بخش‌هایی است که دچار تغییر شده؛ درست است که گاهشماری الهی از ابتکارات اکبر بود اما نام ماه‌های شمسی نیز از این دوره به بعد بر روی سکه‌ها نقش بست.

دوره سوم شامل دوره ورود کمپانی هند شرقی به شبه‌قاره است. انگلیسی‌ها با تأسیس ضراب‌خانه‌ها در شبه‌قاره باعث پیشرفت کار حکومت‌های محلی شدند؛ به این صورت که حکومت‌های محلی که از سوی خان‌های مغول اجازه ضرب سکه داشتند، به جای ضرب سکه‌ها به روش چکشی، طلا و نقره خود را به ضراب‌خانه‌های انگلیسی می‌بردند و آنها را ضرب می‌کردند و به این ترتیب بود که آنها در گسترش کمی و کیفی سکه‌های منقوش به خط و زبان فارسی مؤثر بودند. پس از آن کمپانی هند شرقی اجازه یافت تا سکه‌های کشور خود و همچنین سکه‌هایی را به نام پادشاهان انگلیس، به زبان فارسی، در محل ضرب کند؛ از جمله سکه‌هایی به نام چارلز دوم یا جیمز دوم. تفاوت مهم سکه‌های ضرب ضراب‌خانه‌های کمپانی هند شرقی با سکه‌های ضرب ضراب‌خانه محلی این بود که دقت ثبت نقش (عمدتاً فارسی) سکه‌ها بر سکه ضرب کمپانی دقیق‌تر بود و همه سجع سکه را بر سکه ثبت می‌کرد؛ زیرا سرسکه‌ها درست بر وسط سکه‌ها ضرب می‌شدند و نقش ناقص از متن فارسی داده نمی‌شد. از نگاه من ضراب‌خانه‌های ماشینی انگلیسی نقش مهم و مثبتی در انتقال زبان فارسی داشتند که تاکنون مغفول مانده است. مقایسه یک سکه چکشی و ماشینی شاه عالم و اهمیت انتقال متفاوت زبان فارسی را ببینیم:



در اواخر قرن هجدهم سه فرماندار انگلیسی مناطق مختلف هند را کنترل می‌کردند، اما در 1773 میلادی دولت انگلیس آنها را در یکدیگر ادغام کرد و کلکته مرکز فرمانداری کل شد و از آن پس تمامی سکه‌های اصلی در همین منطقه ضرب می‌شد. سِر وارِن هِستینگز<sup>2</sup> از سال 1773 تا 1785م فرماندار کل هند بود. وی مؤسس انجمن

آسیایی بود که تقریباً تمام شرق‌شناسان به آنجا می‌رفتند و مطالعات خود را در آنجا ادامه می‌دادند. محققانی که اولین پژوهش دربارهٔ سکه‌های ایرانی را انجام دادند از همین انجمن برخاستند. هستینگز که یک نظامی بود، بخش‌های مختلف شبه‌قاره را در طی جنگ‌هایی در حقیقت فتح کرد؛ از جمله در سال 1199 ق دکن را تسخیر کرد و پس از آن مدالی را به همین مناسبت ضرب کرد که تمام نوشته‌های آن فارسی است و مهم‌تر اینکه شعری فارسی در حاشیهٔ آن نوشته شده است. در واقع از زمان او بود که زبان فارسی یک نوع ارزش افتخاری پیدا کرد و جایگاه آن بر روی مدال‌های افتخار تثبیت شد. این مدال در حقیقت نقش فتح‌نامه‌های قدیم را داشت. می‌توان چنین نتیجه گرفت که ضراب‌خانهٔ کلکته فقط شامل عیارسنجان نبود، بلکه در آنجا عده‌ای طراح و شاعر هم حضور داشتند که در ضرب سکه‌های نقش‌آفرینی می‌کردند. در جریان فتح میسور و سران‌دیب نیز مدال‌هایی ضرب شد که نوشته‌های آنها به خط و زبان فارسی بود. پس از آن لرد مینتو<sup>3</sup>، جانشین هستینگز، توانست تیپو سلطان را شکست دهد و بعد از آن سکه‌ای را ضرب کرد که حتی نوشتهٔ «سداالله الغالب» را نیز بر خود داشت؛ چرا که نماد لشکریان انگلیس «شیر» بود.

جنگ‌های ناپلئونی در همین دوران در حال اتفاق افتادن بود. انگلستان در این میان به دلایل سیاسی تصمیم به تضعیف ایران گرفت. از سوی دیگر نیروی دریایی انگلیس و به تبع آن، کمپانی هند شرقی، موظف شد به تمام متحدان ناپلئون و فرانسه در سراسر دنیا حمله کند. اولین هجوم کمپانی هند شرقی به کشور مصر بود که مدال ضرب‌شده پس از فتح آنجا نیز منقش به خط و زبان فارسی بود. در سال 1226 ق نیز مدالی با خط و زبان فارسی به مناسبت فتح جزایر موریس در جنوب اقیانوس هند ضرب شد و پس از آن، در شرق اقیانوس هند، در سال 1228 ق و بعد از تصرف جاوا که هلندی‌ها حاکم آن بودند، مدال دیگری باز هم به خط و زبان فارسی، ضرب شد. از سوی دیگر، در شمال هند و در نپال نیز «تمغا» یا مدالی به خط و زبان فارسی و همچنین در برمه نشانی منقش به نمادهای شیر و خورشید و به خط و زبان فارسی ضرب شد. مشخص

---

3. Minto

است که در کلکته گروهی به طراحی مدال برای کمپانی هند شرقی می‌پرداختند و بعدها معلوم شد که برخی از شرق‌شناسان هم به این ضراب‌خانه می‌رفتند؛ افرادی که بعضی از آنان حتی شاهنامه‌شناس بودند. به گمان من باید ضرابخانه کلکته را در کنار کالج فورت ویلیام، انجمن آسیایی بنگال، و جامعه عالیه، رکن چهارم فرهنگی کمپانی هند شرقی دانست که فارسی‌دوستان زیادی در آن مشغول به کار بوده‌اند.

در سال 1813 و 1833م قوانینی داخلی علیه کمپانی هند شرقی وضع شد که منجر به تضعیف این کمپانی گردید. یکی از این قوانین به زبان فارسی نیز مربوط می‌شد که طبق آن قانون، زبان رسمی کمپانی در شبه‌قاره، زبان انگلیسی ذکر شده بود. تشکیل کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی را نیز می‌توان از دیگر دلایل این امر برشمرد. اما این پایان ماجرای خط و زبان فارسی بر روی سکه‌ها نبود. پس از آن هم سکه‌هایی ضرب می‌شد که باز هم زبان فارسی بر روی آن‌ها منقوش بود.

بعد از تشکیل امپراتوری بریتانیا، قانونی تصویب شد که طبق آن دربار هندوستان در دهلی تشکیل شد. دربار دهلی از ملکه بریتانیا درخواست کرد که امپراتور آنها نیز باشد و مدالی را نیز ضرب کرد که باز هم به خط و زبان فارسی بود. دربار دوم و سوم هند نیز مدال‌های دیگری را به خط و زبان فارسی به یادبود به تخت‌نشینی ادوارد هفتم و جرج پنجم ضرب کرد. مدال‌های دربار دهلی نشان می‌دهد که از نظر این دربار، هنوز زبان فارسی زبان اول هند انگستان است.





دولت‌های محلی هم که در این دوره کار خود را ادامه می‌دادند سکه‌های خود را به خط و زبان فارسی ضرب می‌کردند و تا سال 1947م که استقلال هند اتفاق می‌افتد همچنان سکه‌ها به خط و زبان فارسی ضرب می‌شدند. لذا تجربه‌های سکه‌شناسی هند نشان می‌دهد که زوال زبان فارسی بر سکه‌ها روند کندتری داشته است.



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ